

## هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

### حالت چهارم - رابطه نامشروع مرد زنده دار با هرزنی

فراز دوم از ماده ۲۱۲ وجود رابطه نامشروع هر مرد زنده دار با هرزنی بجز زوجه خودش جرم دانسته است مشروط بر اینکه این رابطه اولاً نامشروع باشد و ثانیاً مجرم بر عدم مشروعیت رابطه عالم باشد. بنابراین عناصر تشکیل دهنده این جرم عبارتست از:

**الف - مرد زنده دار -** بموجب قانون هر مردیکه بسن هیجده سال تمام برسد ( در موارد استثنائی پانزده سال تمام ) میتواند ازدواج کند بنابراین اصولاً سن مرد بایستی بالغ بر هیجده سال باشد جز در موارد استثنائی که ممکن است تا پانزده سال تمام از شرط سن عدول کرد.

بعلاوه بایستی وجود رابطه زوجیت در زمان وقوع جرم محقق باشد در اینجا نکته قابل توجه اینست که مردیکه زنش را بطلاق رجعی مطلقه کرده است اگر در مدت عدله که حق رجوع دارد با زنی رابطه نامشروع پیدا کرد آیا تحت این عنوان قابل تعقیب هست یا خیر؟ زیرا بطور کلی نمیتوان گفت که رابطه زوجیت فیما بین چنین مرد و زنی قطع شده است. بنظر اینجانب چون طلاق رجعی از ایقاعات است و حق رجوع منحصرأ برای مرد شناخته شده است لذا برای زنیکه در عدله طلاق رجعی است حقی باقی نمانده که بتواند باستناد آن اقدام بشکایت بر علیه شوهر خود نماید ولو اینکه بعداً شوهر از طلاق رجوع نماید و زن مجدداً صفت زوجه پیدا نماید.

**ب - زن طرف ارتکاب -** هر چند ظاهر ماده راجع به مشخصات زنی که طرف ارتکاب واقع میشود ساکت است لیکن باتوجه بجرائم مندرج در بند ب و ج از ماده ۲۰۷ چند شرط برای مشارالیها محقق میشود:

اولاً - سن زن نبایستی کمتر از هیجده سال تمام باشد.

ثانیاً - چنانچه رابطه مزبور تا سرحد نهائی آن که زنا است پیش رود شرط عدم رابطه محرمیت بین طرفین جرم نیز ضروری است زیرا در صورت وجود رابطه محرمیت عنوان جرم زنا با محارم خواهد بود.

**ج - عمل مادی -** سابقاً بتفصیل درباره این عنصر که عبارت از رابطه نامشروع است صحبت کردیم و درینجا نیازی بتکرار آن نیست.

سه عنصر فوق الذکر عناصر مادی جرم محسوب میشوند اینک میپردازیم بعناصر

معنوی:

**عناصر معنوی جرم** عبارتند از قصد سوء و علم و اطلاع برنامشروع بودن رابطه که راجع بهردو مورد سابقاً بحث کرده ایم.

**مجازات** - مجازات مجرم از ششماه تا سه سال حبس تأدیبی است. آنچه راجع بکیفیات مشدده و مخففه و نیز مصونیت از تعقیب و مرور زمان درباره حالت سوم تعریف شد در این حالت نیز صادق است فقط در مصونیت از تعقیب بایستی در نظر داشت که زوجه مجرم سمت شاکی خصوصی را دارد منتهی در صورتیکه پس از شکایت مشارالیها زوج ویرا مطلقه سازد و یا اینکه بازیکه رابطه نامشروع داشته ازدواج نمایه موضوع جرم و در نتیجه تعقیب وی منتفی میشود.

### حالت پنجم - رابطه نامشروع مرد با زن شوهردار

بموجب فراز سوم از ماده ۲۱۲ « هر مردی که با زن شوهرداری رابطه نامشروع داشته باشد » قابل تعقیب و مجازات است.

قبلاً بایستی متذکر شد که زن طرف ارتکاب این جرم بموجب فراز اول ماده ۲۱۲ قابل تعقیب و مجازات شناخته شده است. با توجه بمتن جمله عناصر تشکیل دهنده جرم عبارتست از :

**الف - مرد مجرم** - بخلاف فراز دوم که مرد وقتی قابل مجازات بود که زن داشته باشد درین مورد اعم از اینکه نامبرده در علقه زوجیت باشد و یا نباشد قابل تعقیب شناخته شده است. بعلاوه در فراز سابق شاکی خصوصی مرد مجرم زوجه وی بود درحالیکه در این فراز شاکی خصوصی، شوهر زن طرف ارتکاب است و این یکی از عناصر جداکننده این جرم از جرم فراز دوم است.

**ب - طرف ارتکاب** - زن مزبور بایستی درحین وقوع جرم در علقه زوجیت دیگری باشد و عنصر اساسی جرم نیز همین موضوع است. بعبارت دیگر آنچه موجب شده که این جرم از جرم مندرج در فراز دوم ماده ۲۱۲ مشخص گردد همین موضوع است. بموجب رأی صادره از دیوانعالی کشور که قبلاً درج گردید این علقه بایستی درحین وقوع جرم وجود داشته باشد و تا ختم رسیدگی و صدور حکم پابرجا مانده باشد. و در صورتیکه از شوهر قبل از صدور حکم سلب سمت شوهری گردد دیگر نامبرده نمیتواند زوجه سابق خود را تعقیب نماید.

**ج - رابطه نامشروع** - این موضوع را قبلاً تشریح کردیم و نیازی بتوضیح مجدد نیست.

عناصر بالا عناصر مادی جرم بودند و اینک عناصر معنوی جرم :  
عناصر معنوی جرم عبارتند از قصد سوء و علم بعدم مشروعیت رابطه که در این باره نیز سابقاً بحث شد :

**مجازات** - مانند دوفراز دیگر ماده ۲۱۲ میزان مجازات مجرم عبارتست از ششماه تا سه سال حبس تأدیبی.

## هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

درباره کیفیات مشدده و مخففه ، مصونیت از تعقیب و عفو و مرور زمان نیز در فرازهای اول و دوم ماده ۲۱۲ باندازه کافی گفتگو شده و تکرار آن بی‌مورد است . بطور کلی سه جرمی که فرازهای اول تا سوم ماده ۲۱۲ مورد نظر قانونگذار قرار گرفته در اصل بیک منظور بوده و آن حفظ خانواده و جلوگیری از بروز فساد در این کانون مقدس است منتهی بطوریکه دیدیم عاملین این جرائم ظاهراً هر یک بنحوی با دیگری اختلاف دارند .

\*\*\*

در زمینه زنا طبعاً مسائل دیگری هم وجود دارد که از ذکر آن صرفنظر شد . معذک مسائلی وجود دارند که نمیتوان از آنها چشم پوشید از قبیل خسارت ناشیه از جرم . صلاحیت محاکم در موقعیکه زن یا مرد وجود رابطه زوجیت را با شاکی خصوصی انکار نماید . ونیز میتوان فصلی را بمواردی اختصاص داد که قانون سهواً یا تعمداً برای رعایت مصالح بزرگتری از تعقیب زانی یا زانیه صرفنظر کرده است .

بعلاوه درباره نتایج حاصله از زنا از قبیل نحشاء و زنازادگان بایستی کم و بیش گفتگو کرد و نیز بحث مختصری درباره حقوق تطبیقی مخصوصاً با توجه بقوانین ممالک راقیه از قبیل فرانسه و انگلیس و سویس و ایتالیا و هم‌چنین روسیه شوروی ضروری بنظر میرسد که انشاءالله در آینده در اینموارد بازهم مطالبی بعرض خواهد رساند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مقاله علمی-پژوهشی